

نظم بحرانی و پیامدهای راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

یعقوب یوسفوند^۱

حسین مهدیان^۲

ایوب یوسفوند^۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

چکیده

شناخت و درک درست از محیط بین‌المللی، در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی و موفقیت در آنها، نقش بسزایی دارد. یکی از مواردی که می‌تواند به درک درست از محیط بین‌المللی کمک نماید، نظریه‌های ارائه‌شده در این خصوص است. «نظریه نظم بحرانی» از جمله این نظریه‌هاست که در وصف دنیای پیچیده و آشفته امروزی مطرح شده است. در این پژوهش تلاش شده است پیامدهای راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نظم بحرانی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. برای این کار، با استفاده از روش میدانی (مصاحبه) داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری و از طریق کدگذاری باز و محوری، داده‌ها مورد تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند. جامعه آماری این تحقیق شامل تعداد ۲۲ نفر از استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران مربوط به حوزه پژوهش است که با استفاده از روش تعیین نمونه‌گیری زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، چنانچه جمهوری اسلامی ایران، از دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک راهبرد نرم در عرصه سیاست‌های دفاعی، بهره‌گیری بهینه به‌عمل آورد، آثار و پیامدهای مثبتی را در سطح ملی و بین‌المللی برای خود به‌دست می‌آورد و می‌تواند به حفظ تعادل نظام بین‌المللی کمک نماید. افزون‌براین، تحقق سیاست‌های دفاعی آسان‌تر خواهد شد و نشانه‌های آن را می‌توان در آرامش، بازدارندگی و امنیت در جامعه مشاهده کرد.

کلید واژه‌ها

نظم بحرانی؛ دیپلماسی دفاعی؛ راهبرد؛ سیاست دفاعی

۱. دکتری علوم سیاسی، مدرس گروه تربیت نظامی دانشگاه افسری امام علی(ع)

yousefvand.amir90@gmail.com

hmahdian58@gmail.com

ayoubchenareh@yahoo.com

۲. استادیار گروه درس عمومی دانشگاه افسری امام علی(ع)

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، پژوهشگر علوم سیاسی

مقدمه

وقوع تحولات عظیمی همچون تحول در ساختار قدرت بین‌المللی، تحول در عرصه علم و فناوری، ارتباطات و اطلاعات، اقتصاد و سیاست، و... جهان امروز را با آشوب‌ها و پیچیدگی‌های خاصی روبه‌رو ساخته است؛ به‌گونه‌ای که «سامانه جهانی نوین را در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوب می‌توان مورد بررسی قرار داد. در چنین سامانه‌ای تنها نظریه پیچیدگی و آشوب است که توان تحلیل چنین سامانه‌ای را داراست. نظریه پیچیدگی و آشوب سامان و سازه سامانه‌ای را دربرمی‌گیرد که به دلیل تنوع در اجزای آن با اینکه به نظر می‌رسد نوعی بی‌نظمی بر آن حاکم است، اما دربردارنده نظم مشخصی است. چنین سامانه‌ای دارای الگوی رفتاری نامنظم، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد» (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۹۷).

علی‌اصغر کاظمی، این وضعیت از نظم و آشفتگی در جهان را نظم بحرانی می‌نامد و بیان می‌دارد، نظم بحرانی پدیده‌ای است که در محدوده‌ای سیال میان نظم مطلق و هرج‌ومرج فراگیر، در نوسان است. از نظر وی، نظم بحرانی اشاره به سلسله تنش‌ها و بحران‌هایی دارد که در آغاز هزاره سوم میلادی و قرن ۲۱، مجموعه امور جهان را در زمینه‌های مختلف معرفتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جزاینها به خود مشغول ساخته است و ما نیز ناگزیر از زندگی با آنها هستیم (کاظمی، ۱۳۸۱: ۳۴).

در روابط بین‌الملل نظم به‌عنوان چارچوبی نهادی است که تصمیمات جمعی لازم را ارائه می‌دهد. نظم در نظام بین‌الملل، امری ضروری تلقی می‌شود، زیرا بازیگران برای بقا به همکاری نیاز دارند، اما با توجه به اینکه نمی‌توانند هم‌زمان مستعد درگیری باشند و تصمیمات جمعی خودبه‌خودی را تضمین کنند، نظم نیاز به اجبار (و شرایط کنترل‌شونده) دارد (Burrelli, 2019: 3).

از این‌رو، در این جهان پیچیده و آشفته و با توجه به تهدیدهای متنوعی که در حوزه نرم و سخت وجود دارد، تأمین اهداف و منافع ملی با ظرافت‌ها و راهبردهای خاصی همراه است. برای مثال، در عرصه دیپلماسی، امروزه کشورها دیگر همانند زمان‌های گذشته، به نمایندگان رسمی تحت عنوان فرستاده‌های دیپلماتیک اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه طیف گوناگونی از بازیگران با توجه به کارکردهایشان، را در تأمین و تقویت اهداف و منافع ملی به‌کار می‌گیرند که

در این میان، نقش عناصر و دستگاه‌های نظامی در عرصه دیپلماسی بیشتر از همه به چشم می‌خورد. بهره‌گیری از این نوع دیپلماسی (دیپلماسی دفاعی)، به‌عنوان راهبردی نرم، غیرقهری و مسالمت‌آمیز در جهت اجرای سیاست‌های دفاعی و تحقق اهداف ملی در عرصه روابط خارجی، بین واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل مرسوم شده و گسترش یافته است. کشورهایی که از این راهبرد، در جهان مبتنی بر نظم بحرانی درست استفاده نمایند، پیروزی‌های قابل توجهی در حوزه دفاع و امنیت بدون صرف هزینه‌های گزاف نظامی و به هم‌زدن تعادل سامانه بین‌المللی، به‌ارمغان خواهند آورد.

بنابراین، در این دنیای آشفته امروزی، «معمای امنیت» و اینکه چگونه می‌توان امنیت و آسایش را برای مردم تأمین کرد، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به نوع نظام سیاسی و اختلافات گسترده ایدئولوژیکی که با قدرت‌های غرب به‌ویژه آمریکا دارد، همواره در معرض تهدیدهای مختلفی از سوی آنان قرار دارد. اما اینکه چگونه می‌توان در وضعیت نظم بحرانی، امنیت، آسایش و منافع ملی را تأمین کرد، به راهبردهایی بستگی دارد که از به هم خوردن وضعیت تعادل سامانه جلوگیری کند و به بهترین وجه، تحقق اهداف و منافع ملی را موجب شود. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از این راهبردها، راهبرد دیپلماسی دفاعی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت، توانایی اقدام در عرصه روابط خارجی را بالا برده و تحقق اهداف و منافع ملی را از طریق این راهبرد غیرقهری تسهیل نماید. از این رو، هدف اصلی این پژوهش، تشریحی بر نظریه نظم بحرانی و تبیین و تحلیل پیامدهای راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نظم بحرانی است که در این راستا، مسئله اصلی این پژوهش این است که راهبرد دیپلماسی دفاعی چه پیامدهایی را برای جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نظم بحرانی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

چارچوب و مبانی نظری پژوهش

نظریه نظم بحرانی

نظریه نظم بحرانی را علی‌اصغر کاظمی‌زند از استادان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ایران، برای اولین بار در ایران در کتاب «پایان سیاست و واپسین اسطوره» (۱۳۸۱)، مطرح نموده‌اند.

ایشان اصطلاح نظم بحرانی را برای توصیف وضع جهان در آغاز هزاره سوم و سده بیست و یکم میلادی به کار برده و با الهام از مفهوم جرم بحرانی در فیزیک به تشریح این نظریه می‌پردازد و بیان می‌دارد در فیزیک با عبارتی همچون «جرم بحرانی» سروکار داریم که عبارت است از کوچک‌ترین جرم یک ماده قابل انشقاق که می‌تواند زنجیره انفجار هسته‌ای را ایجاد کند (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

جرم بحرانی در فیزیک هسته‌ای «کم‌ترین مقدار ماده موردنیاز برای تولید واکنش زنجیره‌ای هسته‌ای است» می‌توان گفت جرم بحرانی «اندازه‌ای است که چیزی قبل از ایجاد یک تغییر، رویداد یا توسعه خاص باید به آن برسد (Cambridge Dictionary, 2018). بر این مبنا، نظم بحرانی نیز سطحی از نظم و پایداری یک محیط سیاسی - اجتماعی (سامانه)، که قادر است وضعیت کشمکش و هرج و مرج را بدون غلتیدن به ورطه خشونت، جنگ و انقلاب تحمل کند. بنابراین، اگر به محیط بین‌الملل نگاه سامانه‌ای شود، جهان به صورت منظومه کلانی متشکل از زیرمجموعه‌های کوچک‌تر، شامل همه بازیگرانی اعم از دولتی و غیردولتی، ملی و فراملی است که در تعامل مستمر با هم هستند و هرگونه تحریک در یک گوشه آن باعث برهم خوردن نظم در نظام می‌شود. از این زاویه، پذیرش و تبیین بسیاری - از مشکلات، نارسائی‌ها، تنش‌ها و بحران‌های رنگارنگ مبتلا به جهان کنونی، در سطوح مختلف، تاحدودی آسان می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

این نظریه در بیان و ترسیم اوضاعی است که امروزه در جهان شاهد آن هستیم، اوضاعی که فکر می‌کنیم آرام، منظم و سامان‌مند است، اما هنگامی که آن را مورد تحلیل قرار می‌دهیم به آشفتگی و نابسامانی آن پی می‌بریم، مطرح شده است. نظم بحرانی مصداق صلح شکننده است. نظمی است بسیار حساس، شکننده و ناپایدار و نیاز به مراقبت همیشگی دارد. از آنجاکه این نظم در حالت تعادل پویاست، در فرایند خود همواره می‌کوشد توازن میان حوزه‌های مختلف سیاست (نظم سیاسی)، اقتصاد (نظم اقتصادی)، حقوق (نظم حقوقی) و اخلاق (نظم اخلاقی) برقرار کند. هرگاه به هر دلیل و یا به هر تحریک جدی در یکی از حوزه‌های فوق، یکی از مؤلفه‌ها دچار اختلال شود، مجموعه درگیر تنش و بحران می‌شود. این تنش باید در

سطح زیرآستانه تحمل حفظ شود، در غیر این صورت، سامانه دستخوش آسیب می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

تفاوت نظم بحرانی با الگوهای موازنه دوقطبی دوران جنگ سرد و چندقطبی پیش از آن، در این است که بازیگران (قدرت‌های تأثیرگذار) نمود و حضور فیزیکی مشخصی در صحنه رقابت ندارند و ضمن تأثیرگذاری بر امور و جریان‌ها نام و نشانی از خود برجای نمی‌گذارند. به عبارت دیگر، رقبای حریفان و دشمنان در عرصه نظم بحرانی مشخص نیستند و رویارویی آشکار و علنی نیست و ابزارهای تهدید و تأثیرگذاری نیز عمدتاً از جنس نرم‌افزاری است. به‌طورمثال، وقتی شما دشمن خود را می‌شناسید، به قدرت و هیمنه او آگاهی دارید، حداقل می‌توانید جهت و شدت و نوع تهدیدات ممکنه را محاسبه و در صورت لزوم برای مقابله با آن آماده شوید و یا با او از در مصالحه درآئید، اما هنگامی که هیچ‌کدام از عناصر فوق قابل شناسایی یا برآورد نیست، آنگاه مسئله بسیار پیچیده می‌شود و شما در مواجهه با تهدید مستمر محیط درمانده می‌شوید (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۴۹) که این همان وضع بحرانی است که در جهان امروز وجود دارد.

در نظم بحرانی ما با بازیگرانی در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل سروکار داریم که با عقلانیت واحدی به امور خود و جهان نمی‌نگرند و پیش‌فرض‌هایشان نسبت به انسان، جامعه و حکومت و همچنین الزامات زندگی جمعی، متفاوت است. در واقع، پذیرش نوعی تکثر در فرهنگ، ارزش و اندیشه، به آنجا منتهی می‌شود که ما برای ادامه حیات و بقا در جهان امروز، پذیرای تنش‌ها، کشمکش‌ها و بحران‌های در سطح محدودی باشیم و با مدارا و تساهل آنها را تدبیر کنیم و مانع از آن بشویم که با تشدید نردبانی بحران از آستانه تحمل عبور کرده و به خشونت و جنگ منتهی شود. از این دیدگاه، وجود و بروز بحران در نظم جاری را باید به فال نیک گرفت، زیرا موجب آشکارشدن نارسایی‌ها و غفلت‌ها و پویایی و شکوفایی استعدادها بالقوه در جامعه می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۱: ۳۵).

به‌طورکلی، هنگامی که به نظم بحرانی اشاره می‌شود، درصدد بررسی ظرفیت یک نظام سیاسی ملی یا بین‌المللی است که بتواند تعادل و ثبات خود را در برابر فشارهای درونی و بیرونی حفظ کند و به ورطه استحاله و یا سقوط نیفتد. از آنجاکه یک سامانه ممکن است دارای

حالات و وضعیت‌های مختلفی باشد، برخی پایدار، بعضی بی‌ثبات، برخی سازمان‌یافته و بعضی دیگر در حالت بی‌نظمی، می‌توان گفت نظم بحرانی بیان‌کننده وضعیت اخیر است. به عبارت دیگر، هنگامی که سامانه در حالت بی‌نظمی کم‌وبیش پایدار است و می‌کوشد اغتشاش و آشفتگی را در زیرسطح آستانه تحریک‌پذیری حفظ کند، دارای نظم بحرانی است. در چنین وضعیتی، هرگونه فشار و تحریک خارج از توان که محیط به آن وارد شود، زنجیره خشونت و جنگ را در آن فعال می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۶۳). بنابراین، حفظ تعادل در نظم بحرانی یکی از راه‌های جلوگیری از خشونت و جنگ در نظام بین‌المللی است و به نظر می‌رسد نظم بحرانی تا سال‌های متمادی در قرن ۲۱ وجود خواهد داشت و کوشش ملت‌ها و دولت‌های خیرخواه و صلح‌طلب باید در جهت مهار این بحران در سطح زیرآستانه تحمل و تحریک‌پذیری بین‌المللی باشد (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

دیپلماسی دفاعی و نظم بحرانی

در جهان آشفته و پیچیده امروزی، تأمین اهداف و سیاست‌های دفاعی و نظامی، یک علم و هنر بسیار ظریف و دقیق به‌شمار می‌رود. افزون‌براین، «به اقتضای قبض و بسط مفهوم دفاع و همچنین شرایط محیط امنیتی بین‌المللی، تأمین اهداف ملی و دفاعی دارای سیالیت و انعطاف است. امروزه در سیاست‌های دفاعی، توجه به مؤلفه‌های محیط روابط خارجی در معادله فرصت/ تهدید، موضوعی عمومی است. ضرورت مدیریت این محیط بر پایه مقدرات، منابع و منافع ملی است که کاربست دیپلماسی در حوزه دفاع، معنا و مفهوم یافته و به تکوین مفهوم دیپلماسی دفاعی انجامیده است (فرشچی و اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۱۲).

«دیپلماسی دفاعی به‌مثابه سازوکاری است که نقش مهمی در نیل به هدف‌های سیاست‌های امنیتی یا خارجی خاص کشورها ایفا می‌کند» (Bishoyi, 2011: 64؛ مینایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۰) و «فعالیت‌هایی مانند انجام گفتگوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک و نظیر آن از سوی کشورها» (Shea, 2005: 33) را شامل می‌شود. اصطلاح دیپلماسی دفاعی در نگاه اول دارای یک تناقض است، زیرا در چارچوب این اصطلاح، دو مفهوم تا حدی دور از هم، در کنار هم آمده‌اند. به عبارت دیگر، در حالی که

استفاده از نیروی نظامی برای تأمین منافع ملی یک کشور، ناظر بر خشونت و کاربست قوه قهریه است، مستفاد از مفهوم دیپلماسی، توسل به ابزارها و روش‌هایی غیرخشونت‌آمیز است (Plessis 2008, 48)، اما آنچه از مفهوم دیپلماسی دفاعی استنباط می‌شود این است که، سعی دیپلماسی دفاعی بر آن است که از طریق مراودات صورت‌گرفته، حداکثر توافق را میان دولت‌ها در حوزه دفاعی برقرار سازد و ضریب امنیتی فیما بین را افزایش دهد تا به سیاست‌های دفاعی خود دست یابند. «درواقع دیپلماسی دفاعی جدید می‌پذیرد که اهداف قدرت سخت می‌تواند به‌وسیله ابزارهای قدرت نرم به‌دست آید» (Cottey and Foster, 2004؛ پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۲). در وضعیت نظم بحرانی، «یک دیپلماسی دفاعی فعال می‌تواند بسترساز همکاری و همکاری موجد هماهنگی، هماهنگی نیز باعث درهم‌تنیدگی و گره‌خوردگی سرنوشت کشورها شود. طبیعی است در چنین شرایطی، ضریب احتمال وقوع مناقشه‌ها به حداقل کاهش خواهد یافت. افزون‌براین، دیپلماسی دفاعی دارای این ظرفیت است که حتی اگر منازعه‌ای رخ دهد، بتواند از راه برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر، شرایط را برای پایان‌بخشیدن به درگیری فراهم نماید. دیپلماسی دفاعی، ابزاری برای تقویت ظرفیت‌های حمایت از صلح دولت‌های شریک است» (Mulloy, 2007: 2).

به‌طورکلی، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری نرم و اجتناب‌ناپذیر برای تأمین امنیت ملی در نظم بحرانی، از رهگذر ایجاد تعاملات گسترده دفاعی میان کشورها قادر است با اتکا بر همکاری و همفکری، در جهت خلع سلاح و تحدید تسلیحاتی مؤثر واقع شود و هزینه‌های اقدام نظامی در محیط امنیتی بین‌المللی را کاهش دهد و به حفظ تعادل و ثبات سامانه بین‌المللی کمک نماید. افزون‌براین، امروزه برای کنترل و کاهش تهدیدها، تنها دیپلماسی سنتی نمی‌تواند به چنین نیازهایی پاسخ گوید، بلکه به موازات آن «دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان مجرای برای برقراری همکاری نظامی میان کشورها در زمان صلح تعریف کرد (Cottey and Foster, 2004: IV) و به بهبود مدیریت محیط امنیتی بین‌المللی در جهت برقراری نظم و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک نمود.

راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

هدف از دیپلماسی دفاعی کاربرد سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی به منظور تأمین اهداف عالی نظام سیاسی در قالب راهبرد ملی است (مینایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶). جمهوری اسلامی ایران به واسطه قرارگرفتن در موقعیت راهبردی منطقه‌ای و جهانی، در طول تاریخ به‌ویژه در دوران معاصر همواره با تهدیدهای مختلفی از نوع سخت و نرم روبه‌رو بوده است. وجود این تهدیدها، لزوم توجه به راهبرد دیپلماسی دفاعی را برای تحقق سیاست‌های دفاعی تشدید نموده است. افزون‌براین، جمهوری اسلامی ایران «برای ایفای نقش در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای نرم، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و مقابله با تهدیدهای نرم‌افزاری، است» (پوستین‌چی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸).

البته سابقه فعال‌شدن دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نهادی تأثیرگذار در روند توسعه و بازسازی بنیه دفاعی کشور، به دهه ۸۰ بر می‌گردد که آغاز توجه و عمل وزارت دفاع در این عرصه است (مینایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶). به‌هرحال، جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی دفاعی و با بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی در جهت مقابله تهدیدهای منطقه‌ای تلاش می‌کند. راهبرد دیپلماسی دفاعی ایران، موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد و تنش‌زدایی و همکاری است. بنابراین، رویکرد و گفتمان حاکم بر دیپلماسی دفاعی در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خنثی‌سازی آنها، رویکرد ترکیبی تدافعی - تعاملی همه‌جانبه است. خصلت‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فعال‌بودن، ایجاد درک متقابل از اهداف، خواسته‌ها، داشته‌ها و تقویت اراده جمعی در حل منازعات و کاهش تهدیدها و حرکت به‌سوی یک جهان آرام و امن است (خداوردی، ۱۳۹۱: ۹۵).

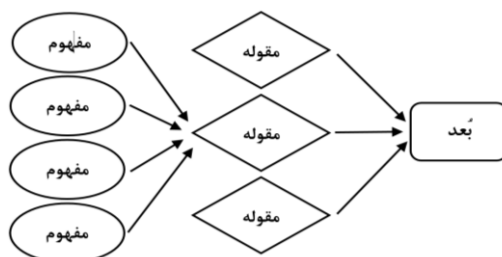
همان‌گونه‌که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز آمده است، جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی براساس قانون اساسی و رعایت اصل عزت، حکمت و مصلحت و از طریق گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، پرهیز از تشنج در روابط با کشورها، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی،

مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی، نسبت به تقویت و ثبات در روابط خارجی اقدام نماید (سند چشم‌انداز ۲۰ ساله).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از نظر ماهیت دارای روش، توصیفی - تحلیلی است که تلاش شده است از طریق اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش میدانی (مصاحبه) اطلاعات و داده‌های لازم گردآوری و به تحلیل موضوع پرداخته شود. مصاحبه‌های انجام‌شده و مطالعه ادبیات تحقیق در پژوهش فعلی با رویکردی اکتشافی صورت گرفته و هدف از آن پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش است. جامعه آماری این تحقیق شامل اساتید، صاحب‌نظران، پژوهشگران و کارشناسان و مجریان مربوط به حوزه این پژوهش است. در این راستا از طریق روش تعیین نمونه‌گیری زنجیره‌ای (گلوله برفی)، تعداد ۲۲ نفر که در زمینه این پژوهش، دارای شناخت و تخصص لازم بودند، شناسایی و به‌عنوان حجم نمونه مشخص شدند. با توجه به ماهیت پژوهش، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر حسب نوع داده‌ها، روش کیفی است که با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیو دا»^۱ نکات اشاره‌شده در مصاحبه‌ها استخراج، کددهی و دسته‌بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، با استفاده از روش کدگذاری باز و محوری، مفاهیم و مقوله‌های اصلی تعیین شده است. به طوری که در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم بسیاری به دست آمده که با پالایش این مفاهیم، داده‌ها به مقوله‌های کم‌تر و محوری تقلیل یافته است (شکل ۱). مفاهیم در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، زیرمقوله‌هایی از نوع کدهای باز هستند که وظیفه‌شان ارائه جزئیات بیشتری در مورد هر مقوله است. مقوله‌ها، در مقایسه با مفاهیم انتزاعی‌تر است و سطحی بالاتر را نشان می‌دهد.

1. maxqda



شکل ۱. نحوه کدگذاری و تعیین مقوله‌ها و ابعاد پژوهش

یافته‌های پژوهش

در این بخش به‌منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، نخست گزاره‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها استخراج و سپس از طریق کدگذاری باز و محوری، پیامد محوری دیپلماسی دفاعی در وضعیت نظم بحرانی به‌دست آمده است. کدهای مستخرجه از مصاحبه با صاحب‌نظران در قالب ۴۹ مفهوم با فراوانی‌های مربوطه و در ۱۳ پیامد محوری دیپلماسی دفاعی، دسته‌بندی شده است (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج کلی حاصل از تحلیل کیفی مصاحبه‌ها

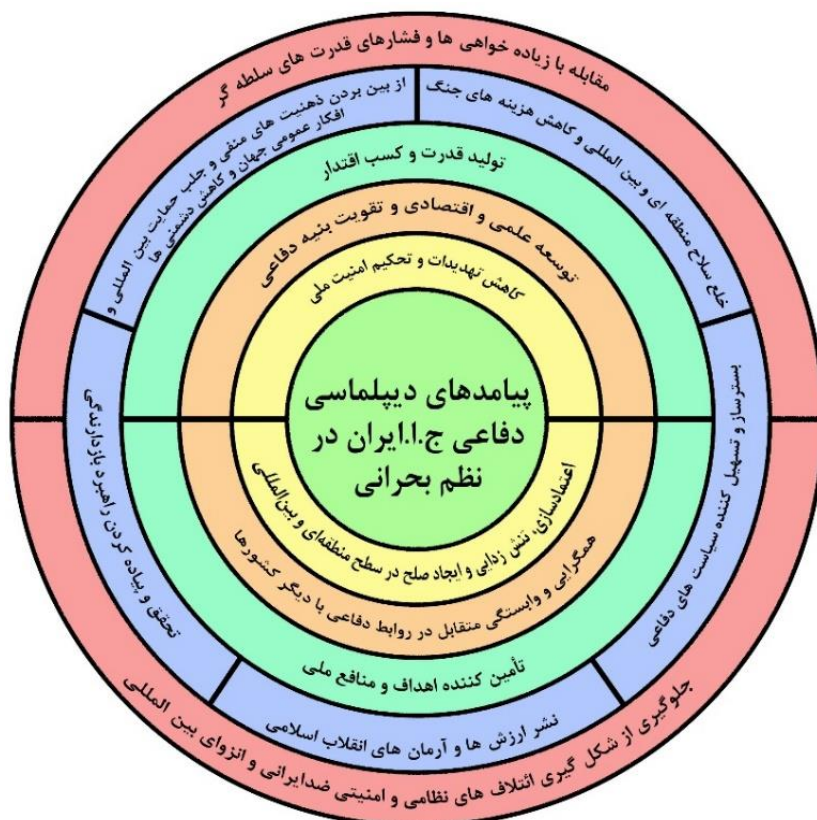
اولویت‌بندی	درصد	فراوانی	مقوله (پیامد)	بعد
۱	٪۵۴/۵۴	۱۲	کاهش تهدیدات، تولید و تحکیم امنیت ملی	ملی
۲	٪۳۶/۳۶	۸	توسعه علمی و اقتصادی، و تقویت بنیه دفاعی	
۴	٪۲۲/۷۲	۵	تولید قدرت و کسب اقتدار دفاعی	
۴	٪۲۲/۷۲	۵	تأمین‌کننده اهداف و منافع ملی	
۵	٪۱۸/۱۸	۴	بسترساز و تسهیل‌کننده سیاست‌های دفاعی	
۱	٪۵۴/۴	۱۲	اعتمادسازی، تنش‌زدایی و ایجاد صلح در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی	بین‌المللی
۳	٪۳۱/۸۱	۷	همگرایی و وابستگی متقابل در روابط دفاعی با دیگر کشورها	
۵	٪۱۸/۱۸	۴	از بین بردن ذهنیت‌های منفی و جلب حمایت بین‌المللی و افکار عمومی جهان و کاهش دشمنی‌ها	
۵	٪۱۸/۱۸	۴	تحقق و پیاده کردن راهبرد بازدارندگی	
۵	٪۱۸/۱۸	۴	نشر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی	
۵	٪۱۸/۱۸	۴	خلع سلاح منطقه‌ای و بین‌المللی و کاهش هزینه‌های جنگ	
۶	٪۱۳/۳۶	۳	مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و فشارهای قدرت‌های سلطه‌گر	
۶	٪۱۳/۳۶	۳	جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی و امنیتی ضد ایرانی و انزوای بین‌المللی	

برای نمونه، در جدول ۲ مفاهیم مربوط به یکی از پیامدهای راهبرد دیپلماسی اعتمادسازی، تنش‌زدایی و ایجاد صلح در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شده است که با توجه به محدودیت در ارائه تفصیلی دیگر پیامدها، از تشریح اجزاء سایر پیامدها خودداری می‌شود.

جدول ۲. مفاهیم مربوط به پیامد اعتمادسازی، تنش‌زدایی و ایجاد صلح در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

منبع	فراوانی کل	فراوانی	مفاهیم	مقوله (پیامد)	بعد
مصاحبه با صاحب‌نظران	۱۲	۵	تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی	اعتمادسازی، تنش‌زدایی و ایجاد صلح در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی	بین‌المللی
		۳	صلح‌سازی		
		۲	ایجاد آرامش در تعاملات دفاعی با کشورهای دیگر		
		۱	تلطیف‌کننده فضا و روابط فی‌مابین ایران و کشورهای منطقه		
		۱	همزیستی مسالمت‌آمیز دینی با کشورهای اسلامی منطقه و جهان		

در شکل زیر نیز تحلیل کیفی نظرات مصاحبه‌شوندگان نمایش داده شده است. در این شکل مقوله‌هایی (پیامدهای محوری) که بیشترین تکرار را داشته باشند و از اولویت بالاتری برخوردار هستند در حلقه‌های داخلی قرار گرفته‌اند و مقوله‌هایی که کم‌تر تکرار شده و از اولویت پایین‌تری برخوردار هستند، در حلقه‌های بیرونی قرار دارند (نمودار ۱).



نمودار ۱. تحلیل کیفی نظرات مصاحبه‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل متن مصاحبه‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، نقش مؤثری در ایجاد تعادل و ثبات در وضعیت نظم بحرانی دارد. به عبارت دیگر، دیپلماسی دفاعی می‌تواند بحران‌ها و آشفتگی‌های عرصه بین‌الملل را در سطح زیرآستانه تحمل حفظ نماید و تحریک‌پذیری را کاهش دهد و از کشاندن بحران‌ها به ورطه خشونت و جنگ جلوگیری نماید. دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در بُعد ملی ۶ پیامد و در عرصه بین‌المللی ۸ پیامد محوری را برای جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نظم بحرانی به دنبال دارد که با توجه به فراوانی مفاهیم و درصد آنها نسبت به تعداد

مصاحبه‌شوندگان اولویت‌بندی شده‌اند. در ادامه نیز به تشریح و تحلیل هریک از پیامدهای احصاشده می‌پردازیم:

پیامدهای ملی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نظم بحرانی کاهش تهدید، تأمین و تحکیم امنیت ملی

در وضعیت نظم بحرانی، دستیابی به شرایطی که یک کشور را از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی فرهنگی و اقتصادی بیگانگان حفظ نماید، از اهداف راهبردی است. دیپلماسی دفاعی می‌تواند یکی از راه‌های تحقق این شرایط باشد. «هنگامی که سازمان‌های نظامی کشورها، مناسبات و تعاملات میان خود برقرار می‌کنند، در این صورت محیط امنیتی آنها در شرایط مناسبی قرار خواهد گرفت. به تعبیری، روابط دفاعی میان سازمان‌های نظامی کشورها، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود محیط امنیتی یعنی جلوگیری از فعالیت‌های بازیگر تهدیدکننده یا کاهش دامنه تحرک و برنامه‌هایش خواهد داشت. به عبارتی، گسترش، تعمیق و تقویت این روابط و مناسبات می‌تواند تغییر و تحول جدی در محیط پیرامونی ایجاد کند. به هر میزانی که دستگاه دفاعی تلاش کند تا کشورهای محیط پیرامونی خود را همسو کند، به همان میزان می‌تواند در تأمین امنیت منطقه بسیار اثرگذار باشد. بنابراین، مدیریت و مهندسی محیط راهبردی یکی از اهداف مهم دیپلماسی دفاعی است. تبدیل تهدیدهای بالفعل به تهدیدهای بالقوه و تهدیدهای قریب‌الوقوع به تهدیدهای بعیدالوقوع، انتقال کانون تهدید از نزدیک (از لحاظ مکانی) به دور و کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده، کاهش پایگاه‌های نظامی تهدیدکننده، تمدیدنشدن یا لغو پیمان‌های دفاعی - امنیتی تهدیدکننده از جمله اقداماتی است که در پرتو کاربست دیپلماسی دفاعی می‌توان با تهدیدات مقابله و امنیت ملی را تحکیم و تقویت نمود» (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

توسعه علمی و اقتصادی و تقویت بنیه دفاعی

دیپلماسی دفاعی فعال، حجم بالایی از اطلاعات و دانش را در اختیار سازمان‌های دفاعی قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که با استفاده آن، می‌توان در جهت تحقق و پیشبرد اهداف، روند روبه‌رشدی را طی نمود. برای مثال، یکی از اهدافی که دولت‌ها در عرصه دیپلماسی دفاعی دنبال می‌کنند، تقویت، توسعه و نوسازی صنایع و تجهیزات دفاعی کشور است که این هدف را می‌توان از طریق مبادله کارکنان برای طی دوره‌های آموزشی، دعوت از مربیان خارجی برای

برگزاری کارگاه‌های آموزشی، خرید و فروش صنایع و تجهیزات دفاعی، همکاری علمی و فنی و تحقیقات دفاعی مشترک و برگزاری رزمایش‌های مشترک دنبال نمود. دیپلماسی دفاعی با شناسایی و کسب دانش عینی و ضمنی و همچنین اخذ اطلاعات لازم از کشور مقابل و انتقال آن به فرایند تولید دانش، به خلق دانش نو می‌انجامد. خلق دانش جدید، توسعه فناوری‌ها و نوآوری در صنایع و تجهیزات دفاعی را به دنبال دارد و باعث ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح می‌شود. به دنبال تقویت بنیه دفاعی، ضریب امنیت ملی ارتقا یافته و از سوی دیگر تقلیل آسیب‌پذیری در برابر تهدیدها و یا به نوعی بازدارندگی را به همراه دارد. ایجاد بازدارندگی و امنیت پایدار، زمینه‌ساز توسعه و آبادانی کشور خواهد بود، سرمایه‌گذاری ملی رشد خواهد یافت و جذابیت لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصاد ملی ایجاد خواهد کرد؛ از طرف دیگر موجب کاهش واردات و افزایش صادرات تسلیحات و محصولات نظامی می‌شود که این روند نیز بر تولید ناخالص ملی و ارزآوری تأثیر فراوان خواهد گذاشت.

تولید قدرت و کسب اقتدار

یکی از کارکردهای کلان در حوزه دیپلماسی دفاعی، تولید قدرت و کسب اقتدار است. در وضعیت نظم بحرانی، تحصیل امنیت ملی فقط به صرف داشتن قدرت نظامی و توان دفاعی کافی نیست، بلکه این قدرت برای پایدار نمودن امنیت باید در تعامل با دیگر بازیگران تقویت و بازگو شود و در چرخه تعاملات دفاعی و سیاسی بین‌المللی قرار گیرد. به عبارتی، جنگ و دیپلماسی «هریک بر روند ایجاد، توان‌بخشی و به حداکثرسانی قدرت و سپس امنیت، سهمی مختص به خود دارند. از این جهت، قدرت‌سازی هم با تحرک دفاعی و هم با تحرک دیپلماتیک حاصل می‌شود» (متقی، ۱۳۸۵: ۳۵).

کشورها بیش از آنکه برای امنیت خود به تولید قدرت نیاز داشته باشند، نیازمند آن هستند که قدرت (موجود) خود را برای امنیت به کار گیرند. این به‌کارگیری زمانی محقق می‌شود که از ابزارهای متنوعی در تولید قدرت استفاده شود (Brodie, 1949: 477). چراکه در وضعیت آشفته و پیچیده جهان، تهدیدها و بحران‌های مختلفی وجود دارد و نمی‌توان برای مقابله با هر تهدید و یا بحران، از قدرت و ابزار نظامی استفاده نمود. در بسیاری از این موارد استفاده از قدرت نظامی موجب تحریک و یا دستکاری سامانه بین‌المللی و یا به عبارتی موجب اختلال در

نظم بحرانی می‌شود و جامعه جهانی را به ورطه جنگ و خشونت سوق می‌دهد. بنابراین، استفاده از دیپلماسی دفاعی در این وضعیت می‌تواند به کنترل بحران‌ها و کاهش تهدیدها کمک نماید و به تولید قدرت بینجامد.

تأمین‌کننده اهداف و منافع ملی

تحولات محیط بین‌المللی به‌ویژه خاتمه جنگ سرد و کاهش نظامی‌گری در عرصه سیاست بین‌الملل، زمینه همکاری مختلف میان کشورها از جمله در حوزه نظامی و دفاعی را فراهم کرد و در نتیجه، کشورها مأموریت‌های جدیدی را برای نیروهای مسلح خود تعریف کردند. براین‌مبنا، کارکرد نیروهای مسلح محدود به دوران جنگ نشده، بلکه نقش آنها در زمان صلح نیز در کمک به تأمین منافع و هدف‌های ملی کشور مورد شناسایی قرار گرفت و زمینه احیای دیپلماسی در همه ابعاد آن، از جمله در حوزه دفاعی را فراهم نمود (ساعد، ۱۳۸۹: ۷۰). بنابراین، دیپلماسی دفاعی، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفتگو و تعامل و همه ابزارهای غیرقهری برای پیشبرد هدف‌ها و کارویژه‌های دفاعی است که در آن، حداکثر بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و درنهایت هدف‌های ملی، مدنظر قرار گیرد (ساعد و علی‌دوستی، ۱۳۹۰: ۸۶).

بستر ساز و تسهیل‌کننده سیاست‌های دفاعی

دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزار اجرایی سیاست‌های دفاعی - امنیتی، از طریق مراودات دفاعی که در سطوح مختلف بین‌المللی صورت می‌دهد، زمینه‌های لازم را برای تحقق سیاست‌های دفاعی فراهم می‌کند. دیپلماسی دفاعی داده و اطلاعات مهم، مهارت‌ها، تجربیات و اندوخته‌ها و آموخته‌های آشکار و پنهان طرف مقابل را شناسایی و معرفی می‌نماید و با بهره‌گیری از آنها، به ارتقای سطح دانش و تخصص، حل مشکلات پیش رو، اخذ تصمیم‌های عقلانی، مدیریت بهینه سازمان‌های دفاعی و افزایش توانایی‌ها و قابلیت‌ها و در نتیجه به پیشبرد و تحقق سیاست‌های دفاعی - امنیتی کمک می‌کند. از طریق دیپلماسی دفاعی، دانش تخصصی و اطلاعات لازم از محیط پیرامونی و بین‌المللی کسب می‌شود، برآوردی از توانایی‌ها و قابلیت‌های دیگران به‌دست می‌آید، متغیرهای مداخله‌گر در پایداری و یا ناپایداری امنیت بین‌المللی شناسایی می‌شوند که مجموعه این اطلاعات باعث می‌شود در تصمیم‌گیری‌های

بعدی و فرایندهای سیاست‌گذاری دفاعی با رویکردی عقلانی و منطقی عمل شود. بنابراین، می‌توان گفت که در دنیای پیچیده امروزی و در عصر ارتباطات و اطلاعات، دیپلماسی دفاعی ابزار و سازوکار مهمی در اجرای آسان‌تر سیاست‌های دفاعی به حساب می‌آید و از جایگاه مهمی برخوردار است.

پیامدهای بین‌المللی راهبرد دیپلماسی دفاعی ج.ا.ایران در وضعیت نظم بحرانی اعتمادسازی، تنش‌زدایی در ایجاد صلح در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

در محیط راهبردی پیچیده و پویای قرن بیست و یکم، چالش‌های بالقوه مهمی بر سر راه صلح و امنیت بین‌المللی وجود دارد. به نظر می‌رسد در دنیای کنونی که در آن کشورهای مختلفی با منابع و میزان توسعه مختلف وجود دارد، نزاع و تنش بین کشورها و گروه‌های قدرتمند همچنان ادامه خواهد داشت (فولادی و زارعی، ۱۳۹۴: ۶۶).

گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، ایجاد و گسترش گروه‌های تروریستی فعال، خرید و فروش سلاح و تسلیحات، فعالیت مجتمع‌های نظامی - صنعتی، افزایش بودجه‌های نظامی، انتقال تسلیحات پیشرفته به کل جهان، بین‌المللی‌شدن مخاصمات و درگیری‌ها، ادعاهای ارضی، اختلافات مذهبی، بحران‌های محیط‌زیستی و... از جمله بحران‌هایی است که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازند.

بهره‌گیری از توانایی‌هایی همانند قدرت نرم و برقراری روابط و تعاملات مناسب دفاعی میان سازمان‌های دفاعی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتمادسازی و بهبود محیط امنیتی کشورها دارد. بسط و تعمیق این روابط می‌تواند تغییراتی جدی را در جهت ایجاد محیطی امن و به دور از تنش به همراه داشته باشد. دیپلماسی دفاعی هوشمندانه یقیناً یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مؤثر در ایجاد اعتماد بین کشورها و برای برقراری صلح و امنیت در محیط بین‌المللی است. اعتمادسازی یعنی حذف و یا کاهش تهدید از ذهن و فکر بازیگر رقیب. از طریق دیپلماسی دفاعی و در پرتو اعتماد به وجود آمده، می‌توان با انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی شد، می‌شود اراده جهانی را برای مقابله با تروریسم تقویت کرد، تحدید تسلیحات و منع خرید و فروش آن را دامن زد، اهداف مجتمع‌های نظامی صنعتی را برای افکار عمومی جهان برملا کرد، اختلافات را به صورت

مسالمت‌آمیز و از طریق گفتگو حل کرد، بودجه‌های نظامی را کاهش داد و در نتیجه صلح و امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز را در سطح منطقه و جهان رواج داد و جهانی بدون تهدید و تنش را تجربه کرد و تعادل نظم بحرانی را حفظ نمود.

همگرایی و وابستگی متقابل در روابط دفاعی با دیگر کشورها

یکی دیگر از کارویژه‌های دیپلماسی دفاعی به‌عنوان عنصری نرم در عرصه اجرای سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران، همگرایی و وابستگی متقابل در روابط دفاعی با دیگر کشورهاست. همگرایی و همبستگی متقابل در روابط دفاعی محصول پویایی رابطه و تعامل سازنده با دیگر کشورها و تعیین منافع مشترک با آنهاست. «در کانون عملیاتی دیپلماسی دفاعی، دولت‌ها می‌کوشند تا از امتیازات و توانایی‌های خود در حوزه نظامی برای وابسته‌کردن دیگر کشورها به خود، افزایش وابستگی متقابل امنیتی، جلب اعتماد، جلوگیری از بروز منازعه، حل منازعه‌ها، ایجاد چارچوب‌های امنیتی منطقه‌ای، مبادلات دفاعی و انتقال هدف‌های سیاست دفاعی خود به بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و مانند آن استفاده کنند» (روحی، ۱۳۸۵: ۲۵).

دیپلماسی دفاعی مبتنی بر ارتقای سطح همکاری‌های دفاعی است. الگوی تعامل در دیپلماسی دفاعی مبتنی بر تعامل چندجانبه با بازیگران دولتی و غیردولتی به‌منظور تحقق اهداف راهبردی است. به هر میزان سطح تعامل مؤثرتر باشد، نتایج بهتری را دنبال دارد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۹). بنابراین، در نتیجه همگرایی و وابستگی متقابل دفاعی و امنیتی، تقابل و تعارض از بین خواهد رفت و همزیستی مسالمت‌آمیز رخ خواهد داد. ایند تولید قدرت

از بین بردن ذهنیت‌های منفی و جلب حمایت بین‌المللی و افکار عمومی جهان و کاهش دشمنی‌ها

به‌گمان یکی از مشارکت‌کنندگان "در فرایند اجرای سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران، از طریق دیپلماسی دفاعی و با ایجاد شفافیت، اعتمادسازی، همیاری، حسن‌نیت و عمل به تعهدات فی‌مابین، ذهنیت‌های منفی متقابل بین دو کشور برطرف می‌شود، دشمنی‌ها کاهش می‌یابد و حمایت بین‌المللی و حمایت افکار عمومی را همراه خواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر، دیپلماسی دفاعی، نه‌تنها دشمنی‌ها را کاهش می‌دهد و ذهنیت‌ها را مثبت و همسو می‌کند، بلکه این پیام را به افکار عمومی انتقال می‌دهد که ما متجاوز نیستیم، ما جنگ‌طلب نیستیم، قابلیت‌های دفاعی خود، برای دفاع از خود در مقابل متجاوز است. بنابراین، حداقل علیه ما نیستند."

مشارکت‌کننده دیگری بیان می‌دارد: "دیپلماسی دفاعی می‌تواند با اصلاح و حتی تغییر ذهنیت‌های منفی بر ساخته از جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه منفی بسیاری از کشورهای منطقه نسبت به کشورمان را تغییر داده و این ذهنیت را که ایران دشمن آنهاست، تغییر و اصلاح نماید. در این صورت بسیاری از سیاست‌های دفاعی کشورهای منطقه را که بر اساس موازنه قوا شکل گرفته است، تغییر داده و روند متعادل‌تر دیگری را جایگزین سیاست‌های دفاعی ایران و کشورهای منطقه در قبال یکدیگر می‌نماید."

تحقق و پیاده کردن راهبرد بازدارندگی

اصولاً سعی دیپلماسی دفاعی بر آن است که حداکثر توافق را میان دولت‌ها در حوزه دفاعی برقرار سازد و ضریب امنیتی فیما بین و در نتیجه بازدارندگی همه‌جانبه را افزایش دهد. «بازدارندگی صرفاً راهبردی برای جنگیدن نیست، بلکه نوعی راهبرد برای حفظ وضع موجود و در نهایت دستیابی به صلح و استقرار آن است و به منظور متقاعد کردن طرف مقابل طرح می‌شود تا به وی ثابت شود که در میان راه‌های ممکن، تجاوز کم‌ترین تأثیر را دارد» (از غندی، ۱۳۹۲: ۷۷).

در وضعیت نظم بحرانی، محصول دیپلماسی دفاعی همان متقاعدسازی بازیگر مقابل یا بازیگران دیگر است که در آن سعی می‌شود تا با تجلی خطرهای تحمل‌ناپذیر و خسارات جبران‌ناپذیر، به بازیگر یا بازیگران مقابل تفهیم شود که جنگ و اقدام نظامی کم‌ترین تأثیر را دارد، اما گفتگو، تعامل و روابط همکاری‌جویانه و مسالمت‌آمیز بیشترین سود و منفعت را برای دو طرف دنبال دارد. این همان تحقق و پیاده‌کردن راهبرد بازدارندگی است که در سایه صلح و آشتی ایجاد می‌شود و به تعادل نظم بحرانی کمک می‌کند.

نشر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی

استقرار نظم پایدار در سطح بین‌المللی به مراتب مشکل‌تر و مسئله‌آفرین‌تر از استقرار نظم پایدار در عرصه داخلی کشورهاست، زیرا برخلاف عرصه داخلی، اولاً هیچ اجماعی روی ارزش‌ها و هنجارها وجود ندارد و ثانیاً هیچ قدرت فراملی قادر به تحمیل قرائت و تفسیر خود از ارزش‌ها نمی‌باشد و قادر نیست به‌طور مؤثر دیگران را وادار به تمکین نماید (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

از این رو، در این جهانی که فاقد اقتدار مرکزی و آشفته است، یکی از راه‌های تولید نظم، اجماع روی یک‌سری هنجارها و ارزش‌های عام و جهان‌شمول است. به بیان برخی مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دیپلماسی دفاعی به واسطه ایجاد محیطی امن و شرایطی مطلوب در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه را برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و بشردوستانه در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه، برجسته‌کردن ویژگی‌ها و ممیزات دیپلماسی ایرانی در جهان، به‌کرسی نشاندن منطق جمهوری اسلامی و نشر ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی انقلاب اسلامی فراهم می‌نماید. هرچند که دیپلماسی دفاعی فعال، اساساً خود رفتاری نرم و مسالمت‌آمیز است و موجب جلب افکار عمومی جهان می‌شود، اما دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن، با خود یک‌سری ارزش‌ها و آرمان‌های جهان‌شمول و منطبق با فطرت الهی انسان‌ها را حمل می‌کند که قابلیت نشر، تبادل و جذب از سوی دیگر ملت‌ها را داراست. بنابراین، دیپلماسی دفاعی نقشی اثرگذار در نشر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی دارد.

خلع سلاح منطقه‌ای و بین‌المللی و کاهش هزینه‌های جنگ

خلع سلاح، فرایندی در راستای ممانعت از افزایش کمی و کیفی یک رده از تسلیحات آن (هدف اولیه) و همچنین امحای کامل ذخایر موجود (هدف نهایی) است تا در پرتو آن، احتمال وقوع جنگ که متکی بر بهره‌مندی از این ابزارهاست، منتفی شود. به تعبیر دیگر، خلع سلاح به معنای دقیق آن به فرایندی اطلاق می‌شود که ضمن تمرکز بر محدودسازی، بلکه سلب حق اکتساب و کاربرد ابزارهای مادی جنگ، در نهایت، امحای کامل تمام یا یک دسته خاص از تسلیحات را تعقیب می‌نماید (Elliot and Reginald, 1989: 272).

گذشته از اهداف اصلی و اولیه، اهداف فرعی و ثانویه نیز در خلع سلاح و محدودیت تسلیحات دنبال می‌شود که از جمله انصراف از هزینه‌های سنگین نظامی و اختصاص آن به مقاصد صلح‌جویانه و بالابردن سطح زندگی مردم به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته است (ازغندی و روشندل، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای تأمین امنیت ملی، با اتکا بر همکاری و همفکری قادر است در جهت خلع سلاح و تحدید تسلیحاتی مؤثر واقع شود و هزینه‌های اقدام

نظامی در محیط امنیتی را کاهش دهد و موجبات تعادل سامانه بین‌المللی و پایداری نظم بحرانی را فراهم می‌نماید.

مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و فشارهای قدرت‌های سلطه‌گر

مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و فشارهای قدرت‌های سلطه‌گر و خنثی‌کردن اقدامات آنها یکی دیگر از کارویژه‌های دیپلماسی دفاعی فعال جمهوری اسلامی ایران است که برخی از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. دیپلماسی دفاعی همانند دیپلماسی سیاسی، اساساً متوجه تقویت روابط با کشورهای دوست و خنثی‌کردن نیروهای بالقوه متخاصم به منافع خودی است. یک کشور می‌تواند با مذاکرات سیاسی، تعاملات و روابط دفاعی، دوستان و متحدانی برای خود دست‌وپا کند. این روابط دفاعی غالباً زمینه را در وجود منافع مشترک پیدا می‌کند. مثلاً وجود یک دشمن مشترک می‌تواند زمینه خوبی برای ائتلاف و اتحاد دو کشور برای مقابله با آن باشد، اما صرف وجود منافع مشترک باعث اتحاد دولت‌ها نمی‌شود، بلکه مقدمتاً درک و شناسایی نقاط اشتراک که به‌صورت بالقوه زمینه‌ساز وحدت و اتحاد می‌شود نیز عامل بسیار حساس و مهمی است که تنها یک دیپلماسی فعال می‌تواند فراهم آورد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۳۶). بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی فعال و هوشمندانه و با استفاده از اتحاد و ائتلاف با کشورهایی که دارای منافع مشترک هستند، می‌تواند همکاری‌های دفاعی را توسعه داده و از این طریق تحرکات و زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های سلطه‌گر و زورگو را تضعیف و خنثی نماید.

جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی و امنیتی ضدایرانی و انزوای بین‌المللی

اساساً یکی از هدف‌های دیپلماسی یک کشور باید بر این محور استوار باشد که مانع از اتحاد دولت‌های دیگر علیه او شود. بدین مفهوم که برای فراهم‌آوردن چنین زمینه‌ی دیپلماسی، کشور خودی باید با ظرافت خاص با هریک از دولت‌هایی که درصددند به نحوی وارد یک پیمان دوستی، نظامی - دفاعی و غیره شوند که منافع او را به‌مخاطره بیندازند، به طریقی برخورد کند که از این امر جلوگیری به‌عمل آورد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۶۴).

جمهوری اسلامی ایران با تعاملات سازنده دفاعی، برگزاری رزمایش‌های مشترک، ایجاد درک درست و مشترکی از تهدیدات، اعتمادسازی، رفع اختلافات به‌صورت مسالمت‌آمیز و

زدودن ذهنیت‌های منفی که بستر دیپلماسی دفاعی فعال و هوشمند تحقق‌پذیر است، می‌تواند پیوندی ناگسستنی بین کشورهای منطقه ایجاد نماید و مانع از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی و امنیتی ضدایرانی و انزوای بین‌المللی شود. به‌گمان یکی از مشارکت‌کنندگان "یکی از آورده‌های دیپلماسی دفاعی برای نظام جمهوری اسلامی ایران، آن است که با تغییر نگرش منفی شکل گرفته نسبت به جمهوری اسلامی ایران، از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی امنیتی ضدایرانی که براساس موازنه تهدید شکل می‌گیرند، جلوگیری می‌کند. زیرا بیشتر ائتلاف‌های نظامی - امنیتی شکل گرفته و یا درحال شکل‌گیری در منطقه ازجمله شکل‌گیری شورای همکاری خلیج‌فارس در اوایل سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و تلاش کشورهای عربی در سال‌های اخیر برای شکل‌دهی به ائتلاف عربی (ناتوی عربی) ناشی از درک تهدید کشورهای عربی و به‌خصوص کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس نسبت به ایران است."

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

«ساختار جامعه بین‌المللی یک شکل افقی و بعضاً پیچ‌درپیچ و مبهم دارد که اعضای پراکنده آن، هریک به‌دنبال تأمین منافع و اهداف خود هستند و همواره این امکان وجود دارد که برای حفظ و حراست از آنها، بر روی هم شمشیر بکشند و ملت‌ها و سرزمین‌ها را به خاک و خون بکشند» (کاظمی، ۱۳۸۱: ۵۷).

ازاین‌رو، در این ساختار هیچ دولتی و یا بازیگر غیردولتی، قدرت و کنترل کامل و مطلق را بر سامانه ندارد و همه خود، داور اعمال خویش هستند. افزون‌براین، ارزش‌ها و هنجارهای یکسانی وجود ندارد که بتواند رفتار جامعه بین‌الملل را هماهنگ و منظم نماید. بنابراین، شرایطی فراهم آمده که موجب ابهام و پیچیدگی در عرصه بین‌الملل شده است. همان‌گونه‌که اشاره شد، پدیده نظم بحرانی را «کاظمی» در وصف سامانه بین‌المللی و قرن ۲۱، که دارای آشفتگی و پیچیدگی خاصی است، به‌کار برده است. ازمنظر ایشان درست است که این وضعیت، نوعی آشفتگی و بحران را با خود حمل می‌کند، اما در خلال آن، نوعی نظم وجود دارد که کشاندن سامانه به ورطه خشونت و جنگ جلوگیری می‌کند. ویژگی نظم بحرانی این است که نظم سامانه در یک حالت تعادل است، یعنی نه دارای نظم زیادی و سلسله‌مراتبی

است و نه در وضعیت آنارشی مطلق قرار دارد. در این وضعیت، آشفتگی و بحران وجود دارد، اما قابل تحمل است و به تنش و خشونت در سامانه منجر نمی‌شود، به شرطی که نظم موجود دستکاری نشود.

در نظم بحرانی دولت‌ها به دنبال تحقق اهداف و منافع خود هستند، طوری که نظم سامانه به هم نخورد؛ چراکه هرگونه تحریک‌پذیری سامانه و یا اختلال در آن ممکن است بقا و دوام دولت‌ها را به خطر بیندازد و آنها را به ورطه فروپاشی و استحاله سوق بدهد. بنابراین، ماهیت نظم بحرانی ایجاب می‌کند برای تأمین منافع در این عرصه بحرانی، دولت‌ها از اقدامی که منجر به هم‌خوردن تعادل سامانه شود، خودداری نمایند. بنابراین، ابزارهای تحقق اهداف و منافع در این شرایط، نظم بحرانی بیشتر از جنس نرم‌افزاری است. شاید یکی از عوامل موفقیت در سیاست‌های جهانی بهره‌گیری از منابع قدرت نرم است. قدرت نرم، ارزش‌هایی را با خود حمل می‌کند که می‌تواند زمینه برای تعامل و جذب دیگران فراهم نماید. هرچقدر این ارزش‌ها غنی‌تر، جهان‌شمول‌تر و جذاب‌تر باشد، اعمال نفوذ و قدرت در جهت تحقق اهداف و منافع راحت‌تر خواهد بود. بنابراین، در فضای نظم بحرانی دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای نرم‌افزاری در حوزه تحقق اهداف دفاعی و ملی، می‌تواند به تعادل سامانه جهانی کمک نماید و زمینه را برای همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها در کنار همدیگر فراهم نماید.

برای جمهوری اسلامی ایران در این وضعیت بحرانی جهان، توجه به تهدیدهای نرم و سختی که علیه آن وجود دارد، بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌های نرم و سخت در حوزه دفاعی و به‌منظور حفظ تعادل سامانه ضرورتی انکارناپذیر است و می‌توان گفت دیپلماسی دفاعی درزمره یکی از مؤثرترین ظرفیت‌های نرم دفاعی است که می‌تواند پیامدهایی فراوانی را برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته باشد. علاوه بر این، در این دنیای پیچیده برای مواجهه با مسائل نوپدید همچون راهبرد جنگ نرم، با استفاده از قدرت نرم دیپلماسی دفاعی می‌توان چهره موجه و مثبت جمهوری اسلامی ایران را به دنیا نشان داد و اعتبار بین‌المللی را کسب نمود. «قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی است» (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴: ۱۱).

به‌طورکلی، دیپلماسی دفاعی فعال و مؤثر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند پیامدهای مثبتی را در عرصه ملی و بین‌المللی در پی داشته باشد و به حفظ تعادل در سامانه بین‌المللی کمک نماید. همچنین آرامش، بازدارندگی و امنیت را برای جامعه به‌ارمغان آورد. با توجه به مطالب فوق، پیشنهادهای زیر در جهت استفاده بهینه از ظرفیت راهبرد دیپلماسی دفاعی ارائه می‌شود:

۱. بهره‌گیری از الگوهای علمی و اثربخش در اجرای دیپلماسی دفاعی؛
۲. توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های نرم‌افزاری داخلی در اجرای دیپلماسی دفاعی؛
۳. استفاده از دیپلمات‌های کاردان با دانش در عرصه تعاملات دفاعی؛
۴. بهره‌گیری از مدیریت دانش در دیپلماسی دفاعی؛
۵. برآورد کارشناسانه و دقیق اطلاعاتی از وضعیت سامانه بین‌المللی.

منابع

فارسی

۱. ازغندی، سید علی‌رضا (۱۳۹۲)، جنگ و صلح: بررسی مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۲. ازغندی، سید علی‌رضا و روشندل، جلیل (۱۳۸۴)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.
۳. افتخاری، اصغر و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۳)، الگوی مدرن عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی، فصلنامه مجلس و راهبرد، ش ۷۸.
۴. پوستین‌چی، زهره و همکاران (۱۳۹۱)، نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۴۰.
۵. پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۵)، شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، ش ۹۵.
۶. ساعد، نادر (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی: تأملی شناختی و کاوش در مبادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۳۱.
۷. ساعد، نادر و علی‌دوستی، قاسم (۱۳۹۰)، دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۳۴.
۸. سند نهایی چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی از طریق پایگاه اطلاع رسانی دولت، www.dolat.ir.
۹. فولادی، قاسم و زارعی، وحید (۱۳۹۴)، دفاع همه‌جانبه، رویکرد همه‌جانبه، تهران: انتشارات شرکت پیشرو فناوری قائد، چاپ اول.
۱۰. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قومس، چاپ ششم.
۱۱. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، پایان سیاست و واپسین اسطوره (نظم بحرانی در دوران مابعد سیاسی قرن ۲۱)، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
۱۲. خداوردی، بهرام (۱۳۹۱)، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی وزارت دفاعی و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۱۳. جعفری، سیداصغر و همکاران (۱۳۹۵)، درآمدی بر دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، تهران: انتشارات وزارت دفاع، چاپ اول.
۱۴. روحی، نبی‌اله (۱۳۸۵)، جنگ مردمی و دکتترین دفاعی چین، فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۳۰.

۱۵. فرشچی، علی‌رضا و اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۲). دیپلماسی دفاعی در پرتو رویکرد چین به مسئله امنیت، مجله سیاست دفاعی، ش ۸۳.
۱۶. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳). نظم نامتقارن سیستم‌های پیچیده و آشوب و راهبرد دفاع جامع در سیستم بازدارندگی، فصلنامه روابط خارجی، ش ۱.
۱۷. فولادی، قاسم و زارعی، وحید (۱۳۹۴). دفاع همه‌جانبه، رویکرد همه‌جانبه، تهران: انتشارات شرکت پیشرو فناوری قائد، چاپ اول.
۱۸. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۵). اهداف و سطوح دیپلماسی دفاعی: مطالعه موردی ترکیه و مصر، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۱۴.
۱۹. متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). برآیندهای تحول در ساختار کارکرد دیپلماسی دفاعی امریکا، راهبرد دفاعی، ش ۱۴.
۲۰. مینایی، حسین و همکاران (۱۳۹۶). ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت موجود، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وششم، ش ۸۳.
۲۱. مینایی، حسین و همکاران (۱۳۹۳). ارزیابی اثر فعالیت‌های مدیریت دانش بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، ش ۷۰.

انگلیسی

1. Burelli, Carlo. (2019). A realistic conception of politics: conflict, order and political realism, *Jornal of Critical Review of International Social and Political Philosophy*, Published online: 04 May 2019.
2. Cottey, Andrew and Anthony Forster (2004), *Reshaping Defence Diplomacy: New Roles for Military Cooperation and Assistance*, Oxford, Oxford University Press, Adelphi Papers, Vol. 44, No. 36
3. Elliot, Jeffrey M. and Robert Reginald (1989), *The Arms Control, Disarmament, and Military Security Dictionary*, Oxford, Clio Press Ltd.
4. Mulloy, Garren (2007), "Japan's Defense Diplomacy and Cold Peace in Asia", *Asia Journal of Global Studies*, 1.
5. Plessis, Anton Du (1 November 2008), "Deface Diplomacy: conceptual and Practical Dimensions with Specific Reference to South Africa", *Strategic Review for Southern Africa*.
6. Shea, T. C. (2005), *Transforming Military Diplomacy*, George C Marshall Center APO AE 09053 European Center for Security Studeis.
7. Cottey, Andrew and Anthony Forster (2004), *Reshaping Defence Diplomacy: New Roles for Military Cooperation and Assistance*, Oxford, Oxford University Press, Adelphi Papers, Vol. 44, No. 365.
8. <https://dictionary.cambridge.org>